

برای «بگذار بخوام...»

خود، ترا مدار در آئینه آنچه باید باشی نظاره می کنی. بابی رحمی تمام!...
خود، ترا ناکمه می کنی، خودت را مجازات می کنی، بی صدارنج می کشی،
می خواهی لذت را جریمه کنی، می خواهی راضی تر شوی و این افت و خیز
تمامی ندارد؛ «راضی تر» سهایش را هر روز تازه تر می کند!»

«... و زمان آبادی»

